بررسى مشكلات جوانان(2)

مشكلات جنسى

محمد سبحانى نيا

ييكى از غرايز نيرومند كه با فرارسيدن بلوغ و شكوفايى گل هاى جوانى خودنمايى مى كند, غريزه جنسى است كه دست تواناى آفرينش و خالق هستى به موجب حكمت خويش, آن را وسيله توليدمثل و بقاى نسل قرار داده است. اين ميل را مى توان به آتشفشانى تشبيه كرد كه از اعماق وجود انسان برمى خيزد و اگر به روشى صحيح, كنترل و مهار نشود, ويران كننده خواهد بود. (بررسى ها نشان مى دهد كه در دوران جوانى, انسان در هيچ زمينه اى تا اين اندازه آسيب پذير نيست.)1

(به نظر دانشمندان جهان, غريزه جنسى به منزله يك كانون عشق و حرارتى است كه از ابتدا در نهاد آدمى آفريده شده است و در ايام بلوغ با شدتى هرچه بيشتر زبانه مى كشد).2 (غريزه جنسى نقش بسيار حياتى در سلامت يا انحراف روانى نوجوان دارد.)3

غدد جنسى, منشأ تحولى عميق در جسم و جان جوان مى گردد. دكتر كارل مى نويسد: (غدد جنسى نه تنها وظيفه حفظ نسل و نژاد را بر عهده دارند, بلكه در فعاليت هاى روانى و معنوى ما نيز مؤثرند).4 متأسفانه با اين خواسته طبيعى, دو برخورد غيرمنطقى و نامتعادل (افراطى و تفريطى) صورت گرفته, اما اسلام با نفى آن دو, راه سومى را پيش نهاد كرده است.

روش كليسا (ديدگاه تفريطى)

اولياى كليسا با نگاه بدبينانه به غريزه جنسى, جانب تفريط را گرفته و علاقه جنسى را ذاتاً پليد دانسته و آميزش جنسى را, اگرچه از راه مشروع باشد, موجب تباهى و سقوط تلقى مى كردند و عجب تر آن كه مى گويند: (دنياى قديم عموماً گرفتار اين وهم بوده است).5 (پدران كليسا, از ازدواج به زشت ترين صورت ياد كرده اند. هدف رياضت اين بوده كه مردان را متقى سازد. بنابراين, ازدواج كه عمل پستى شمرده مى شد, بايستى منعدم شود.)6

علاوه بر كليسا, بسيارى از متفكران نيز با ديد يك نظريه علمى, غرايز را محكوم كرده و آن ها را سد راه تعالى و تكامل بشر دانسته اند. (ادگاريش, استاد فلسفه و روان شناسى, مى گويد: قبل از فرويد, اكثر فلاسفه و علماى اخلاق [در غرب] غريزه ها را محكوم كرده بودند; يعنى صريحاً يا ضمناً آن ها را عواملى مى دانستند كه انسان را به خصايص حيوانى مرتبط مى سازند)7

اسلام اين نگاه بدبينانه را نمى پذيرد و بر ارضاى صحيح غريزه جنسى تأكيد مى ورزد و سخت گيرى هاى شديد و محدوديت هاى نابه جا و سركوبى غرايز را نمى پسندد و آن را منشأ كمال و فضيلت نمى شمارد. در روايتى آمده است: زنى در مقام سؤال به امام باقر(ع) عرض كرد: من متبتّله هستم. حضرت فرمود: مقصودت از تبتّل چيست؟ جواب داد: تصميم دارم هرگز ازدواج نكنم. حضرت فرمود: براى چه؟ گفت: براى نيل به فضيلت و كمال. حضرت فرمود: از اين تصميم منصرف شو, اگر خوددارى از ازدواج, فضيلتى در برمى داشت, حضرت زهرا(ع) به درك اين فضيلت از تو شايسته تر بود; هيچ كس در فضيلت بر وى پيشى نمى گيرد.8

ديدگاه افراطى

در برابر نظر غلط كليسا و هم فكران آن ها, برخى چون فرويد و هم فكران او, طرف دار آزادى غرايز بوده و راه افراط را برگزيده اند. شايد اتخاذ اين روش, پاسخى به سخت گيرى هاى كليسا بوده است. استاد مطهرى مى گويد: (فرويد و اتباع وى مدعى هستند كه اخلاق كهن را در امور جنسى بايد واژگون كرد و اخلاق جديدى را جاى گزين آن نمود. به عقيده فرويد و اتباع وى, اخلاق جنسى كهن, براساس محدوديت و ممنوعيت است و آن چه ناراحتى بر سر بشر آمده است, از ممنوعيت ها و محروميت ها و ترس ها و وحشت هاى ناشى از اين ممنوعيت ها است كه در ضمير باطن بشر جاى گزين شده است.)9

اخلاق جديد جنسى بر اصولى پايه گذارى شده است كه به يكى از آن ها مى پردازيم: (طرف داران اخلاق به اصطلاح نوين جنسى معتقدند: آتش ميل و رغبت بشر در اثر منع و ومحدوديت, فزونى مى گيرد و مشتعل تر مى گردد و در اثر ارضا و اشباع, كاهش مى يابد و آرام مى گيرد. براى اين كه بشر را از توجه دائم به امور جنسى و عوارض ناشى از آن منصرف كنيم, يگانه راه صحيح آن است كه هرگونه قيد و ممنوعيتى را از جلو پايش برداريم و به او آزادى بدهيم. شرارت ها و كينه ها و انتقام ها, همه ناشى از اخلاق خشن جنسى است.)10

نقد نظريه فرويد

استاد مطهرى در واكنش به نظريه فرويد مى گويد: (اشتباه فرويد و امثال او در اين است كه پنداشته اند تنها راه آرام كردن غرايز, ارضا و اشباع بى حدوحصر آن ها است. اين ها فقط متوجه محدوديت ها و ممنوعيت ها و عواقب سوء آن ها شده اند و مدعى هستند كه قيد و ممنوعيت, غريزه را عاصى و منحرف و سركش و ناآرام مى سازد. طرحشان اين است كه براى ايجادِ آرامشِ اين غريزه بايد به آن آزادى مطلق داد; آن هم بدين معنا كه به زن اجازه هر جلوه گرى [و] به مرد اجازه هر تماسى داده شود. اين ها چون يك طرف قضيه را خوانده اند توجه نكرده اند كه همان طور كه محدوديت و ممنوعيت, غريزه را سركوب و توليد عقده مى كند, رها كردن و تسليم شدن و در معرض تحريكات و تهييجات درآوردن, آن را ديوانه مى سازد و چون اين امكان وجود ندارد كه هر خواسته اى براى هر فردى برآورده شود بلكه امكان ندارد همه خواسته هاى بى پايان يك فرد برآورده شود, غريزه بدتر سركوب مى شود و عقده روحى به وجود مى آيد.)11

نظريه تعديلى (ديدگاه اسلام)

استاد مطهرى مى گويد: (به عقيده ما براى آرامش غريزه دو چيز لازم است: يكى, ارضاى غريزه در حد حاجت طبيعى و ديگرى, جلوگيرى از تهييج و تحريك آن).12 ايشان در جاى ديگر مى گويد: (همان طور كه محروميت ها سبب طغيان و شعله ور شدن شهوات مى گردد, پيروى و اطاعت و تسليم مطلق نيز سبب طغيان و شعله ور شدن آتش شهوت مى گردد. امثال فرويد آن طرف سكه را خوانده اند و از اين طرف سكه غافل مانده اند.)13

ره آورد آزادى جنسى در عصر حاضر, رفتارهاى خشونت آميز در روابط جنسى و استفاده قهرآميز از زنان و آزار جنسى در محل كار و بيمارى هاى مقاربتى و از جمله بيمارى مرموز ايدز و بى بند و بارى هاى اخلاقى است كه اخبار آن بارها و بارها در جرايد منعكس شده است. (در انگلستان از هر ده زن, هفت زن در دوره زندگى شغلى خود به مدت طولانى دچار آزار جنسى مى گردند. در مورد تجاوز جنسى نيز بررسى[ها] در لندن آشكار ساخت كه از هر شش تن, يك تن مورد تجاوز قرار گرفته بود).14 (براساس آمار سازمان بهداشت جهانى, حداقل نيمى از قربانيان ويروس ايدز را افراد كمتر از 25 سال تشكيل مى دهد.)15

متأسفانه آزادى جنسى در كشورهاى غربى به صورت قانون درآمده و در مصوبات سازمان ملل بر آزادى در روابط جنسى تأكيد شده است. (در جزوه آموزشى آن سازمان بيان شده كه افراد در ارضاى جنسى خود آزادند و ارضاى جنسى خارج از محدوده ازدواج مانند: استمنا, هم جنس بازى, زنا منعى ندارد. علاوه بر آن, اگر زنى فحشا را به عنوان شغل براى خويش برگزيد مشكل قانونى ندارد).16 (اين در حالى است كه خود فرويد, كه طرف دار سرسخت آزادى غريزه جنسى بود, متوجه شد كه خطا رفته است. لذا پيش نهاد كرد كه بايد آن را از راه خاص خودش به مسير ديگرى منحرف كرد و به مسائل علمى و هنرى نظير نقاشى و غيره منعطف ساخت و به اصطلاح طرف دار تصعيد شد.)17

اما ديرى نمى پايد كه جهان با آثار مرگ بار آزادى جنسى و ولنگارى و بى بندوبارى اخلاقى رو به رو خواهد شد و چاره اى جز تمكين در برابر قوانين الهى نخواهد داشت. امام على(ع) مى فرمايد: (من تسرّع الى الشهوات تسرّع اليه الآفات;18 آن كه در شهوات تندروى كند آفات و بلايا نيز به سرعت به سوى او مى شتابد). تنها راه صحيح و عادلانه از ديدگاه اسلام, ارضاى طبيعى غريزه جنسى و كام يابى مشروع از طريق ازدواج است.

انحرافات جنسى

انحرافات جنسى اشكال گوناگونى دارد كه متداول ترين آن ها عبارتند از: 1. استمنا; 2. هم جنس بازى; 3. خودفروشى.

در پيدايش انحراف جنسى به طور اعم و استمنا به طور اخص, علل مختلفى دخيل است كه مهم ترين آن ها عبارت اند از:

1. تحولات بلوغ: (به دليل تحولاتى كه در دوره بلوغ در فرد به وجود مى آيد, وى تمايل درونى به جنس مخالف در خود احساس مى كند, ولى چون تماس بدنى با جنس مخالف برايش امكان ندارد, براى رهايى از تنش ناشى از اين تمايلات درونى, به اين عمل روى مى آورد.)19

2. عوامل تحريك زا: عواملى چون: نگاه شهوت آميز, تخيلات تحريك كننده, تماس با اجنبى و گفت گو با نامحرم, ديدن فيلم ها و عكس هاى مبتذل, از جمله عواملى هستند كه آتش سوزان غريزه جنسى را در جوان شعله ور مى كند و خواه ناخواه او را به سوى انحراف جنسى سوق مى دهد. نگاه, تخم شهوت را در دل مى كارد و زمينه گناه را فراهم مى كند. حضرت مسيح(ع) فرموده اند: (اياكم والنظرة فانها تزرع فى القلب الشهوه; از نگاه به نامحرم اجتناب كن كه نگاه, شهوت را در قلب به وجود مى آورد).20 امام على(ع) قلب را كه مركز ادراكات است, كتاب و نامه چشم مى داند و مى فرمايد: (القلب مصحف البصر; دل, كتاب چشم است).21

باباطاهر مى گويد:

ز دست ديده و دل هر دو فرياد

كه هر چه ديده بيند دل كند ياد

بسازم خنجرى نيشش ز پولاد

زنم بر ديده تا دل گردد آزاد

3. عقده حقارت: (به اعتقاد بسيارى از روان شناسان, استمنا, ناشى از كمبود توجه و محبت و عقده حقارت است.)22

4. مساعد نبودن محيط خانواده: ريشه بسيارى از انحرافات جنسى را بايد در محيط خانواده و شرايط زندگى افراد جست وجو كرد. مراعات نكردن اصل مهم حيا و طرز لباس پوشيدن و به كارگيرى الفاظ و كلماتى كه به گونه اى دربرگيرنده مسائل و مناسبات جنسى هستند و نيز تماس بدنى با كودكان و نوازش هاى غيراصولى و عدم كنترل بر روابط كودكان, به انگيزه جنسى فرزندان دامن مى زند و زمينه انحراف جنسى در دوران بلوغ را فراهم مى كند. (خانواده هايى كه به علت پاره اى نابسامانى ها (از قبيل: اختلاف و ناسازگارى ميان پدر و مادر و ناسازگارى آن ها, ازهم پاشيدگى خانواده, بدرفتارى والدين با فرزندان و امثال آن ها) به اضطراب روحى در فرزندان دامن مى زنند, آنان را بيشتر در معرض انحراف جنسى قرار مى دهند.)23

5. معاشرت با منحرفان: يكى از عوامل مهم تأثيرگذار در بزه كارى و انحرافات جنسى و غيرجنسى جوانان, دوستى هاى نامناسب است. از آن جا كه پيوستن به گروه هم سالان براى نوجوان بسيار مهم و حياتى است و براساس يك نياز اجتماعى انجام مى گيرد, نمى توان نقش دوستان را در شكل گيرى شخصيت و نوع رفتار جوانِ تازه بالغ ناديده گرفت. آلودگى و انحراف, به سرعت از طريق دوستان ناهل به افراد پاك و سالم سرايت مى كند. امام على(ع) مى فرمايد: (لاتصحب الشرير فانّ طبعك يسرق من طبعه شراً وانت لاتعلم;24 از معاشرت با مردم فاسد بپرهيز, زيرا طبيعت تو ناخودآگاه انحراف و ناپاكى را از طبع آن ها سرقت مى كند.)

6. ضعف ايمان و سستى پايه هاى اعتقادى: پايدارى در برابر طوفان سهمگين غريزه جنسى, درگرو برخوردارى از ايمان و پناه گاه معنوى است. كسى كه از اين سرمايه عظيم محروم است, تنها با تكيه بر وجدان اخلاقى نمى تواند در برابر موج هاى توفنده غرايز ايستادگى كند و خود را از بيراهه و كژى و انحراف نجات بخشد. قرآن مجيد زندگى بدون ياد خدا را رنج آور و ناگوار مى داند25 كه بدون ترديد يكى از مصاديق آن, غوطه ور شدن در فساد و منجلاب گناه و انحرافات جنسى است كه حاصلى جز تشويش و اضطراب ندارد. غفلت از خدا, زمينه وسوسه شيطان را فراهم مى كند و گناه با سهولت انجام مى گيرد.

7. ناآگاهى از عواقب استمنا: متأسفانه گاهى افرادى بدون اطلاع از عوارض زيان بار استمنا و حرمت آن, به اين انحراف كشيده مى شوند. (ضعف سيستم عصبى و ناتوانى جنسى و گريز از ازدواج و سردمزاجى, پژمردگى رنگ, [ايجاد] حلقه سياه به دور چشم, خستگى و خواب آلود بودن, شرم اغراق آميز و كاذب, گوشه گيرى و آشفتگى در خواب26 [از جمله عوارض استمنا] به شمار مى روند.)

(دبس27) معتقد است كه استمنا, جوان را بسيار خسته مى كند و در طبايع حساس, توليد وسواس و ترديد عجيبى مى نمايد به طورى كه افراد مبتلا به آن, همواره خجل و شرم سار هستند و خود را مجرم مى پندارند.)28

راه مقابله با انحرافات جنسى

اسلام براى مقابله با انحرافات جنسى, در دو بخش پيش گيرى و درمان, راه كارهاى مناسبى را ارائه كرده است. روش هاى كاربردى اسلام در بخش نخست (پيش گيرى) عبارت اند از:

1. خردورزى

يكى از راه هاى مهار احساسات و تعديل غريزه جنسى, استفاده از نيروى خرد و عقل است. امام على(ع) مى فرمايد: (انّ للقلوب خواطر سوء والعقول تزجر منها; در دل هاى بشر, خاطرات بد و خواهش هاى زشت پديد مى آيد و عقل است كه از اعمال آن خاطرات و انجام تصميم ها جلوگيرى مى كند).29 عقل, نگهبانِ خيرخواهى است كه مانع طغيان غرايز مى شود. كسى كه عقل را راهنماى خود قرار دهد, لذت آنى را بر لذت دائمى ترجيح نمى دهد و عنان نفس سركش را در دست مى گيرد و با در نظر گرفتن مفاسد و نتايج شهوت رانى و بى بندوبارى, از پيروى بى قيد و شرط تمايلات نفسانى پرهيز مى كند. البته بايد اذعان كرد كه عقلِ ضعيف و ناتوان هرگز قادر نيست احساسات تند و سركش دوران جوانى را مهار كند. امام على(ع) مى فرمايد: (العقل الكامل قاهر للطبع السوء;30 عقلى كه به مرتبه كمال رسيده مى تواند طبيعت شرور را مقهور كند). متأسفانه به دليل نيرومندى غريزه جنسى در جوان از يك سو و نارسايى عقل در ايام بحرانى بلوغ از سوى ديگر, اين چراغ هدايت, كم فروغ مى گردد و كارايى خود را از دست مى دهد. امام على(ع) مى فرمايد: (كم من عقلٍ اسيرٍ عند هويً أميرٍ;31 چه بسيار عقلى كه در برابر فرمانروايى خواهش هاى نفسانى, اسير و گرفتار است). در اين شرايط بايد از احساسات مذهبى كه ريشه در سرشت آدمى دارد, بهره جست.

2. خدامحورى

همان طورى كه گذشت, در هنگامه بحران بلوغ و فشار غريزه جنسى, عقل به تنهايى قادر به كنترل شهوت نيست. در اين شرايط به سلاحى برنده تر نياز است و آن, تقوا و عشق به پروردگار و در يك كلمه خدامحورى است.

با رعايت تقوا, نه تنها انسان از محيط گناه آلود و شهوت انگيز دورى مى گزيند, بلكه براى او چنان مصونيتى ايجاد مى شود كه حتى با ورود به ورطه گناه مى تواند خود را حفظ كند. قرآن مجيد پرهيزكاران را كسانى مى داند كه بعد از قرار گرفتن در معرض حملات شيطان, با سلاح تقوا از خود دفاع مى كنند; آن جا كه مى فرمايد: (ان الذين اتقوا اذا مسّهم طائف من الشيطان تذكّروا فاذا هم مبصرون;32 در حقيقت كسانى كه از خدا پروا دارند, چون وسوسه اى از جانب شيطان به ايشان رسد, خدا را به ياد آورند و به ناگاه بينا شوند.)

حضرت يوسف(ع) در عنفوان جوانى در حالى كه زمينه گناه از جهات مختلف براى او فراهم شده بود, با استفاده از اين قدرت معنوى يعنى تقوا و پرهيزكارى خود را از آلوده شدن به گناه حفظ كرد.33

(در مكتب اسلام, براى رام كردن غرايز و تعديل تمايلات نفسانى, عقل, علم, تربيت, حياى اجتماعى, نظارت ملى, قوانين كيفرى و خلاصه كليه عوامل مؤثر, مورد كمال توجه قرار گرفته و درباره هريك از آن ها آيات و اخبار بسيارى رسيده است, ولى بزرگ ترين قدرتى كه در اين آيين مقدس براى مهار كردن غرايز مورد استفاده واقع شده و نتايج بزرگ و ثمربخش به بار آورده, احساس مذهبى است).34 هم زمان با فرارسيدن دوران بلوغ و شكوفايى غريزه جنسى, خداوند متعال احساسات مذهبى را در نهاد جوانان قرار داده است. (دبس مى گويد: گويا همه روان شناسان در اين نكته متفق القول اند كه مابين بحران تكليف و جهش ناگهانى احساسات مذهبى, ارتباطى وجود دارد).35 بر اين اساس, شارع مقدس بلوغ شرعى را براى كنترل غريزه جنسى از طريق بهره گيرى از اين فطرت الهى و انجام تكاليف تعيين كرده است.

خداوند متعال به وسيله مقررات دينى, پسران و دختران را در حيطه شرع محدود مى كند و از طغيان غريزه باز مى دارد. اسلام براى مهار غرايز, برنامه هاى منظمى را ارائه كرده است كه مهم ترين آن ها, ارتباط خلق و خالق يعنى نماز و روزه است. قرآن مجيد نماز را يك عامل بازدارنده از گناه مى داند و مى فرمايد: (ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر;36 نماز, آدمى را از كارهاى زشت باز مى دارد). (در حديثى از پيامبر(ص) نقل شده است كه جوانى از انصار نماز را با پيامبر(ص) ادا مى كرد, اما با اين حال آلوده گناهان زشتى بود. اين ماجرا را به پيامبر(ص) عرضه داشتند. حضرت فرمود: سرانجام نمازش او را از اين اعمال پاك مى كند.)37

البته هر نمازى به نسبت رعايت شرايط, اين اثر بازدارندگى را دارد. رسول اكرم(ص) به جوانان توصيه مى كند براى كنترل غريزه جنسى خود از روزه و امساك استفاده كنند; آن جا كه مى فرمايد: اى گروه جوانان, هركدام از شما اگر توانايى هزينه زن گرفتن را دارد, پس ازدواج كند و اگر نتواند, بسيار روزه بگيرد كه روزه گرفتن از شهوت مى كاهد.38

3. رعايت اصل مهم حيا و عفت در محيط خانه

مراعات اصل مهم حيا در كليه شئون زندگى خانوادگى از سوى پدر و مادر, در پيش گيرى از انحراف جنسى نوجوانان و جوانان مؤثر است. محيط خانواده نبايد زمينه تحريك و هيجان ميل جنسى را فراهم كند. متأسفانه بعضى از مادران به بهانه محرم بودن با فرزندان خود, حدود لازم را ناديده مى گيرند و در طرز لباس پوشيدن, دقت كافى مبذول نمى دارند. محرميت, به تنهايى براى جلوگيرى از انحراف فكر و تحريك غريزه در جوان كافى نيست. البته منظور اين نيست كه مادر يا خواهر در نزد محارم خود دقيقاً همان پوششى را داشته باشند كه در مواجهه با غيرمحارم دارند. اما در عين حال تسامح و آسان گيرى در اين امر مهم, باعث تهييج تمايل جنسى است و حتى به بيدارى پيش از موقع آن مى انجامد.

اسلام در برنامه تربيتى خود به منظور برچيدن زمينه فساد و انحراف جنسى در فرزندان, تمهيداتى انديشيده است كه به برخى از آن ها اشاره مى شود:

1.3. اجازه گرفتن براى ورود: (غريزه جنسى يكى از مهم ترين فطريات كودك است ولى به نظر دانشمندان, در دوران 6 تا 12سالگى, غريزه جنسى به صورت اختفا وجود دارد و بسان آتشى در زير خاكستر پنهان شده است).39 پس ساده انديشى است كه كسى گمان كند كودكان از مسائل جنسى سر درنمى آورند. براى اين كه غريزه جنسى قبل از بلوغ در حال خمود بماند, قرآن مجيد به يك نكته دقيق و ظريف اشاره مى كند و آن اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوت گاه پدران و مادران است; آن جا كه مى فرمايد: اى كسانى كه ايمان آورده ايد, بايد خدمت كاران و كودكان شما كه به حد بلوغ نرسيده اند, براى ورود به اتاق شما در سه وقت اجازه بگيرند: قبل از نماز فجر و در نيم روز, هنگامى كه لباس هاى معمولى خود را بيرون مى آوريد, و بعد از نماز عشا; اين سه وقتِ خصوصى براى شما است.40

2.3. جداسازى محل خواب: براساس روايات معصومين, محل خواب كودكان در شرايط خاص سنى بايد مستقل باشد تا از راه تماس بدنى, موجبات تهييج غريزه جنسى فراهم نشود. پيامبر(ص) مى فرمايد: اگر فرزندان شما به هفت سالگى رسيدند خواب گاه آن ها را از يك ديگر جدا كنيد.41

3.3. محدود كردن تماس بدنى با كودكان: تماس هاى بدنى ـ هرچند خفيف باشد ـ هيجان جنسى را برمى انگيزاند. از اين رو توصيه شده است مرد نامحرم يا پسربچه, دختربچه شش ساله را نبوسد و او را در بغل نگيرد و زن نامحرم پسربچه اى را كه از هفت سالگى گذشته است, نبوسد42 و توصيه شده است والدين, لب هاى فرزند خود را (جز در سنين خردسالگى) نبوسند.43

4.3. دور نگاه داشتن كودكان از مناظر مهيج: اسلام به پدران و مادران توصيه مى كند فرزندان خود را از ديدن مناظر شهوت انگيز و مناسبات زناشويى, كه عامل مؤثرى براى بيدار كردن غريزه جنسى است, دور نگاه دارند. امام صادق(ع) مى فرمايد: موقعى كه در اتاق كودكى حضور دارد مردان با زنان يا كنيزان خود آميزش نكنند, زيرا اين عمل, طفل را به راه بى عفتى سوق مى دهد.44 معناى حديث فوق اين است كه در صورت بى احتياطى والدين, زمينه انحراف جنسى فرزندان فراهم مى شود.

4. دقت در دوست يابى

همان طورى كه گذشت, يكى از عوامل انحرافات جنسى در بين جوانان و نوجوانان, رفاقت با افراد آلوده است. بديهى است كه براى پيش گيرى از وقوع انحرافات جنسى بايد در انتخاب دوست دقت كافى صورت گيرد. دوستى جوانان با دوستى كودكان و بزرگ سالان تفاوت فاحش دارد. دوستى كودكان با يك ديگر براساس جاذبه طبيعى و دوستى بزرگ سالان ناشى از جلب منافع اجتماعى يا اقتصادى است, اما دوستى جوانان با هم سالان خود يا افراد ديگر, از جنس موافق يا مخالف, براساس احساسات محبت آميز و نيازهاى عاطفى است كه با بروز غريزه جنسى برانگيخته مى شود و همين امر باعث مى شود آن ها در انتخاب رفيق, آسان پذير و زودپسند باشند و روابط دوستى را با تعصب و سرسختى و به شكل افراطى تنظيم كنند. اين گونه دوستى ها هرچند با انگيزه پاك صورت مى گيرد, اما چه بسا ممكن است به علايق جنسى منتهى شود و انحرافاتى را به دنبال آورد.

(بررسى ها نشان مى دهد كه نوجوانان, اولين قدم هاى انحراف و تباهى را به كمك دوستان ناباب برداشته سپس در سراشيبى سقوط قرار گرفته اند).45 بنابراين, نوجوانان در مرحله اول بايد در انتخاب دوست دقت كنند و به خطرات دوستى هاى نامناسب بينديشند و به شيادان اجازه ندهند از احساسات پاكشان سوءاستفاده كنند. اين منطق كه كسى بگويد: من تحت تأثير قرار نمى گيرم, پذيرفتنى نيست. امام صادق(ع) مى فرمايد: (من يصحب صاحب السوء لايسلم;46 آن كه با دوست ناباب مصاحبت كند به سلامت نمى ماند.)

با بدان كم نشين كه بد مانى

خوپذير است نفس انسانى

(سنايى غزنوى)

والدين بايد با فراهم كردن شرايط, امكان انتخاب بهترين دوستان را به فرزندان خود بدهند و با دقت و حساسيت, روابط فرزندان خود را با دوستانشان كنترل كنند. همكارى اوليا با مربيان در اين باره بسيار مهم و خطير است. محيط مدرسه محلى مناسب براى طرح دوستى است كه اگر از سوى مربيان و اولياى مدارس, مراقبت هاى لازم صورت نگيرد, خوف آن است كه آلودگى حاصل از انحراف جنسيِ افراد آلوده به ديگران سرايت كند و زحمات شبانه روزى و چندين ساله پدران و مادران را به سرعت از بين ببرد.

5. كنترل غريزه جنسى

به اعتقاد كارشناسان, بهترين و كم هزينه ترين درمان, پيش گيرى است. اين قاعده در امراض جسمى و روحى, جارى و سارى است. براى غلبه بر غريزه جنسى, جوان بايد از ابتداى بلوغ, خواسته هاى نفسانى خويش را با نيروى ايمان و عقل و وجدان مهار كند, زيرا اگر از اول, غرايز, خودسر و لجام گسيخته بار آيند و انحراف جنسى به صورت عادت درآيد, راه اصلاح و درمان مشكل خواهد شد. امام على(ع) مى فرمايد: (غالب الشهوة قبل قوّة ضراوتها فانّها ان قويت ملكتك واستقادتك ولم تقدر على مقاومتها;47 بر شهوت خويش مسلط شو, پيش از آن كه قدرت تجرى پيدا كند كه اگر شهوتت, نيرومند گردد مالك تو مى شود و به هرسو كه بخواهد تو را مى كشاند; در حالى كه تاب مقاومت نخواهى داشت). بر اين اساس, اسلام به منظور اصلاح افراد و جامعه, بر پيش گيرى از وقوع جرم و گناه تأكيد مى كند تا زمينه انحراف فراهم نشود. در اين نوشتار به مواردى كه با موضوع بحث مرتبط است اشاره مى كنيم:

1.5. طرد افكار شيطانى: براى پيش گيرى از انحراف جنسى, بايد انديشه را از نفوذ افكار شيطانى دور نگه داشت, زيرا گام نخست در انحراف, فكر كردن پيرامون آن است. امام على(ع) مى فرمايد: (من كثر فكره فى المعاصى دعته اليها;48 كسى كه در اطراف گناه بسيار بينديشد سرانجام به آن گناه كشيده خواهد شد). اگر چه طرد افكار شهوى در آغاز براى يك جوان مجرد, بسيار دشوار است, اما با استقامت و تمرين مداوم مى تواند قوه تخيلى خويش را به كنترل درآورد.

در حقيقت مشكل ترين مرحله مقابله با انحراف جنسى, همين مرحله سالم سازى انديشه و پرهيز از افكار شهوى است. اگر كسى بتواند در اين مرحله موفق شود به يقين از انعقاد نطفه گناه جلوگيرى كرده است. در صورتى كه ريشه گناه در دل بماند و خزانه فكر از پليدى تهى نشود, هر لحظه خطر آلودگى به گناه وجود دارد. حتى اگر فكر گناه جامه عمل نپوشد تيرگى هايى در دل ايجاد مى كند و به صفاى روحانى لطمه مى زند. امام صادق(ع) از حضرت مسيح(ع) روايت كرده است كه فرمود: موسى بن عمران به شما امر كرد كه زنا نكنيد و من به شما امر مى كنم كه فكر زنا را در خاطر نياوريد چه رسد به عمل زنا, زيرا آن كه فكر زنا كند مانند كسى است كه در عمارت زيبا و مزيّنى آتش روشن كند; دودهاى تيره آتش زيبايى هاى عمارت را خراب مى كند اگرچه عمارت آتش نگيرد.49

يكى از مواقع حساس كه ممكن است انسان به گناه فكر كند, زمانى است كه جوان در بستر خواب مى رود. تمايلات جنسى در خلوت و به ويژه هنگام خواب در بستر زمينه بيشترى براى بروز دارد. شايد بهترين راه براى جلوگيرى از افكار شهوى, مطالعه كتاب هاى مفيد و موافق ذوق است. بيدار ماندن در رخت خواب ممكن است زمينه ساز برخى انحرافات فكرى و عمل بشود. از اين رو به جوانان توصيه مى شود زمانى وارد بستر شوند كه به حد كافى خسته شده و آماده خواب باشند تا بدون فاصله و معطلى به استراحت بپردازند و فرصت انديشيدن درباره امور جنسى پيدا نكنند.

2.5. پر كردن اوقات فراغت: يكى از عوامل پيدايش افكار شهوى, بيكارى و تنهايى است. براى غلبه بر اين افكار, لازم است جوانان اوقات فراغت خود را با برنامه ريزى دقيق و حساب شده تنظيم كنند كه لحظه اى بيكار نمانند. البته نمى گوييم مرتب مطالعه كنند, بلكه منظور اين است كه اوقات فراغت را با برنامه هاى مختلف مانند: تفريح سالم, ورزش, نقاشى, مطالعه و غيره پر كرد. اشتغالات فكرى, اثر عميقى در انصراف فكر از عادات ناپسند و انحرافات جنسى دارد. (مهاتما گاندى در كتاب خود مى نويسد: در سراسر عمرم كمتر به شهوت جنسى توجه داشته ام و اصولاً هيچ وقت بيكار نشده ام تا در اين باره فكر كنم).50 تنهايى, محيط كاملاً مساعدى را براى شيوع انحرافات جنسى فراهم مى كند. از اين رو پرهيز از تنهايى و ايجاد موانع, مقدمات گناه را از بين مى برد.

3.5. كنترل چشم: نگاه, راهبر دل و دام شيطان و بذر شهوت است. براى مهار غريزه جنسى بايد از ديدن هر آن چه كه ميل جنسى را تحريك مى كند, خوددارى كرد و در صورت پيش آمدن چنين صحنه هايى, خود را از ادامه نگاه بازداشت. قرآن مجيد براى خاموش كردن آتش شهوت, موضوع غضّ بصر را مطرح كرده و خطاب به مؤمنان مى فرمايد: (قل للمؤمنين يغضّوا من ابصارهم ويحفظوا فروجهم;51 به مؤمنان بگو چشم هاى خود را فروگيرند و دامان خود را حفظ كنند). براين اساس, فقهاى عظام نگاه شهوت آميز را تحريم كرده اند.

امام على(ع) نيز راه تعديل غريزه جنسى را كنترل چشم مى داند و مى فرمايد: (نعم صارف الشهوات غضّ الابصار; بهترين عامل روى گردانى از شهوات, فرو بستن چشم ها است).52 البته اين آيه و حديث نمى گويد: مؤمنان چشم هايشان را فرو بندند بلكه مى گويد: بايد نگاه خود را كوتاه كنند و اين تعبير لطيفى است, چون براى راه رفتن و برخورد با مردم نمى توان چشم را به كلى فرو بست, اما مى توان در نگاه كردن منطقه وسيعى را زير نظر گرفت تا نامحرم از حوزه ديد خارج گردد. با به كارگيرى اين دستور الهى, شيطان براى اغواگرى سلاحى نخواهد داشت, چرا كه روايات اسلامى نگاه شهوت آميز را تير زهرآلود شيطان ياد كرده اند. امام صادق(ع) مى فرمايد: (النظر سهم من سهام ابليس مسموم و كم نظرة اورثت حسرة طويلة; نگاه (به نامحرم) تير زهرآلود شيطان است. چه بسيارند نگاه هايى كه بعدها حسرت و تأسف طولانى به دنبال دارد).53 به راستى كه يك نگاه مى تواند سرنوشت انسان را تغيير دهد و سعادت او را به مخاطره بيندازد.

براى عبرت نوجوانان و جوانان, داستان غم انگيز دختر و پسرجوانى را نقل مى كنيم كه با يك نگاه شهوت آميز و ارضاى نا به جاى شهوت جنسى به سرنوشتى عجيب مبتلا شدند.

مصطفى لطفى منفلوطى مى گويد: دوستى داشتم كه بيشتر علاقه من به او از جنبه دانش و فضلش بود نه از جهت ايمان و اخلاقش. ساليان دراز با هم رفاقت داشتيم, اما به ناچار براى يك سفر طولانى قاهره را ترك گفتم و از رفيق محبوبم جدا شدم. پس از مراجعت از سفر براى ديدار دوستم به خانه اش رفتم. از آن منزل رفته بود. اشك تأثر ريختم و گريه كردم. اتفاقاً در يكى از شب هاى تاريك كه به منزل مى رفتم, راه را گم كردم و به كوچه هاى تنگ و وحشت ناك رسيدم. خانه اى ويران را ديدم و از آن صدايى شنيدم. آهسته در زدم. دختربچه اى را كه در حدود ده سال از عمرش رفته و چراغ كم فروغى به دست داشت, ديدم. وى گفت: اى مرد, پدرم را درياب كه در حال جان دادن است. پشت سرش رفتم, مرا در بالاخانه اى برد كه يك در كوتاه بيشتر نداشت. داخل شدم و از روى محبت دستم را روى پيشانى اين مرد گذاردم. چشم خود را گشود و مدتى به من نگاه كرد. كم كم لب هاى بى رمقش به حركت درآمد و با صداى بسيار ضعيف گفت: خدا را شكر كه دوست گم شده ام را پيدا كردم. فهميدم كه به گم شده خود رسيده ام. با كمال تعجب از او پرسيدم: اين چه حال است كه در تو مى بينم؟ گفت: ده سال تمام من و مادرم در خانه اى مسكن داشتيم. همسايه مجاور ما مرد ثروت مندى بود. قصر مجلل و باشكوه آن مرد متمكن, دختر ماه رو و زيبايى را در آغوش داشت. چنان شيفته او شدم كه صبر و قرارم به كلى از دست رفت. براى آن كه به وصلش برسم تمام كوشش را به كار بردم, ولى نتيجه نگرفتم. سرانجام به او وعده ازدواج دادم. با من طرح دوستى ريخت و محرمانه باب مراوده باز شد تا در يكى از روزها به كام دل رسيدم و آن چه نبايد بشود, اتفاق افتاد. خيلى زود فهميدم كه دختر جوان فرزندى در شكم دارد. به ناچار منزل مسكونى خود را تغيير دادم و از آن پس از او خبرى نداشتم.

از اين قصه سال ها گذشت. روزى نامه اى به من رسيد. در آن نامه, دختر نوشته بود: تو مى دانى روزى كه مرا ترك گفتى آتش سوزنده اى در دل و جنين جنبنده اى در شكم داشتم. فرار كردى تا جنايتى را كه خود به وجود آوردى نبينى. مى گفتى: تو را دوست دارم, دروغ مى گفتى! تو خودت را دوست مى داشتى. به من خيانت كردى و آسايش را از من ربودى. آن چنان مضطر و بيچاره شدم كه از آن خانه مجلل فرار كردم و از پدر و مادر عزيز و از آن زندگى مرفه چشم پوشيدم و در يك منزل كوچك در يك محله دورافتاده مسكن گزيدم. خبردارم كه پدر و مادرم هردو در غياب من جان سپردند. اكنون در بستر مرگ قرار گرفته ام. اين نامه را از آن جهت نوشتم كه تو نزد من امانتى دارى و آن, دختربچه بى گناه تو است. اگر در دل بى رحمت عاطفه پدرى وجود دارد, بيا اين كودك بى سرپرست را از من بگير. هنوز از خواندن نامه فارغ نشده بود كه به او نگاه كردم, ديدم اشك بر صورتش جارى است. پرسيدم: بعد چه شد؟ گفت: وقتى اين نامه را خواندم تمام بدنم لرزيد. با سرعت به منزلى كه نشانى داده بود, آمدم و آن همين منزل بود. وارد اين بالاخانه شدم ديدم روى همين تخت, يك بدن بى حركت افتاده و دختربچه اش پهلوى آن بدن نشسته و با وضع تلخ و ناراحت كننده اى گريه مى كند. با خدا عهد كردم كه از اين بالاخانه خارج نشوم و به جبران ستم هايى كه بر آن دختر مظلوم كرده ام, مثل او زندگى كنم و مانند او بميرم. سخنش كه به اين جا رسيد, زبانش بند آمد و رنگ صورتش به كلى تغيير كرد. نتوانست خود را نگاه دارد, در بستر افتاد. آخرين كلامى كه در نهايت ضعف و ناتوانى به من گفت, اين بود: دوست عزيزم, دخترم را به تو مى سپارم.54 اين واقعه دردناك كه موارد مشابه نيز دارد, از يك نگاه آلوده سرچشمه گرفت و سرانجام با آن وضع رقت انگيز پايان پذيرفت.

من آن چه ديده ام ز دل و ديده ديده ام

گاهى بود ز دل گِلِه گاهى ز ديده ام

من آن چه ديده ام ز دل و ديده تاكنون

از دل نديده ام همه از ديده ديده ام

4.5. عدم اختلاط زن و مرد: هم نشينى زن و مرد و هم سخن شدن و خلوت كردن با يك ديگر, زمينه لغزش و انحراف جنسى را فراهم مى كند. اسلام براى تحقق اين امر, تمهيداتى انديشيده است كه مى توان به دور بودن زن و مرد و وجود حريم ميان آن دو و پرهيز از دست دادن زنان و مردان و اجتناب از خلوت زن و مرد نامحرم و هر گفت وگويى فتنه انگيز اشاره كرد. رسول خدا(ص) مى فرمايد: كسى كه به خدا و روز قيامت ايمان داشته باشد, در جايى نمى خوابد كه نَفَس زن نامحرم را بشنود.55 فقها و مراجع تقليد براساس روايات معصومين گفته اند: بودن مرد و زن نامحرم در جاى خلوت جايز نيست و احتياط در نماز نخواندن در آن جا است.56

در روايات براى جلوگيرى از عادى شدن روابط زن و مرد و به وجود آمدن زمينه هاى اختلاط, بر جدايى مكان زن و مرد تأكيد شده است تا جايى كه از رسول خدا(ص) نقل شده كه فرمود: زمانى كه زنى در محلى نشست و از آن جا برخاست, كسى در جاى او ننشيند تا سرد شود.57 اسلام براى مرزشكنى, عقوبت هاى سنگينى در نظر گرفته است. پيامبر(ص) مى فرمايد: هركس با زنى نامحرم شوخى كند خداوند او را در برابر هر كلمه اى كه در دنيا ادا كرده هزار سال زندانى مى كند.58 قرآن مجيد به همسران پيامبر(ص) درباره گفت وگو با نامحرم توصيه خاصى دارد و مى فرمايد: شما زنان نبايد صداى خود را در گفتار نازك كنيد تا بيماردلان به طمع افتند.59 براين اساس, بسيارى از فقها صحبت كردن زنان با مردان را با كيفيت تهييج كننده تحريم كرده اند.60

به طور قطع يكى از حكمت هاى احكام مذكور, گسترش عفت و حيا و پيش گيرى از انحرافات جنسى و بى بندوبارى هاى اخلاقى است. در شماره بعد به يارى خداوند در مورد بخش دوم بحث يعنى راه هاى درمان انحراف جنسى سخن خواهيم گفت.

ادامه دارد

پى نوشت ها:

1 ـ محمدعلى سادات, راهنماى پدران و مادران, ج1, ص88.

2 ـ محمدتقى فلسفى, كودك, ج2, ص361.

3 ـ سيد مجتبى هاشمى, تربيت و شخصيت انسانى, ج2, ص173.

4 ـ الكسيس كارل, انسان موجود ناشناخته, ص100.

5 ـ مرتضى مطهرى, اخلاق جنسى در اسلام و جهان غرب, ص12.

6 ـ همان, ص14.

7 ـ محمدتقى فلسفى, بزرگسال و جوان, ج1, ص199.

8 ـ بحارالانوار, ج100, ص219.

9 ـ مرتضى مطهرى, همان, ص23.

10 ـ همان, ص26.

11 ـ همان, مسئله حجاب, ص103ـ104.

12 ـ همان, ص104.

13 ـ همان, ص103.

14 ـ مجله كتاب نقد, ج17, ص275.

15 ـ همان, ص115.

16 ـ همان, ص370.

17 ـ مرتضى مطهرى, همان, ص105.

18 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج5, ص327.

19 ـ محمديان, بلوغ تولدى ديگر, ص40.

20 ـ تحف العقول, ص305.

21 ـ نهج البلاغه, قصار 409.

22 ـ محمديان, همان, ص39.

23 ـ محمدعلى سادات, همان, ص93.

24 ـ ابن ابى الحديد, شرح نهج البلاغه, ج20, ص272.

25 ـ طه(20) آيه 125.

26 ـ احمد احمدى, روان شناسى نوجوان و جوان, ص120.

27 ـ دبس, يكى از روان شناسان معروف و نويسنده كتاب هاى مراحل تربيت و بلوغ مى باشد.

28 ـ احمد احمدى, همان, ص121.

29 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج2, ص500.

30 ـ بحارالانوار, ج75, ص6.

31 ـ نهج البلاغه فيض الاسلام, قصار202.

32 ـ اعراف(7) آيه 201.

33 ـ براى اطلاع بيش تر به سوره يوسف مراجعه كنيد.

34 ـ محمدتقى فلسفى, جوان, ج1, ص373.

35 ـ همان, ج2, ص126.

36 ـ عنكبوت(29) آيه 45.

37 ـ تفسير نمونه, ج16, ص287.

38 ـ بحارالانوار, ج100, ص220.

39 ـ محمدتقى فلسفى, كودك, ج2, ص365.

40 ـ نور(24) آيه 58.

41 ـ كنزالعمال, ج16, ص441.

42 ـ وسائل الشيعه, ج14, ص170.

43 ـ اصول كافى, ج3, ص268.

44 ـ وسائل الشيعه, ج14, ص94.

45 ـ محمدعلى سادات, همان, ص99.

46 ـ بحارالانوار, ج75, ص216.

47 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج4, ص392.

48 ـ همان, ج5, ص321.

49 ـ وسائل الشيعه, همان, ص240.

50 ـ جمعى از نويسندگان, جوانان چرا, ص107.

51 ـ نور(24) آيه 30.

52 ـ غررالحكم و دررالكلم, ج6, ص164.

53 ـ وسائل الشيعه, همان, ص138.

54 ـ محمدتقى فلسفى, جوان, همان, ص322ـ330 (با تلخيص).

55 ـ وسائل الشيعه, همان, ص133.

56 ـ توضيح المسائل مراجع, ج1, ص519.

57 ـ من لايحضره الفقيه, ج2, حديث4619.

58 ـ وسائل الشيعه, همان, ص142.

59 ـ احزاب(33) آيه 32.

60 ـ تحريرالوسيله, ج2, ص245.